



برای ایران ویژه نامه

ارگان سیاسی

انجمن پادشاهی خواهان

پیشرو



پهلوی!

یک صدا؛

یک نام

به مناسبت همایش همکاری ملی
۴ مرداد - مونیخ

در تاریخ ۴ مرداد ۲۵۸۴ برابر با ۲۶ جولای ۲۰۲۵ در شهر مونیخ آلمان، همایش همکاری ملی به دعوت شه‌ریار ایران زمین، شاهزاده رضا پهلوی، برگزار می‌شود. این رویداد ارزشمند، با محوریت جستارهای همکاری ملی، گذار دموکراتیک و بازسازی کشور ایران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، حدود پنج ماه پس از گردهمایی پیشین پادشاهی‌خواهان ملی گرا در همین شهر برگزار می‌شود که در آن پیشنهاد رهبری دوران گذار از سوی شرکت کنندگان به شاهزاده ارائه شده بود. این همایش نه تنها از نظر زمانی، بلکه از نظر استراتژیک، اهمیت بسزایی برای آینده ایران و جنبشهای آزادیخواهانه دارد. از آنجایی که یکی از بزرگترین چالشهای پیش روی اپوزیسیون ایران، پراکندگی و نبود انسجام مبارزاتی لازم میان مبارزان ملی گرا است، این همایش فرصتی گرانقدر برای گردهمایی نیروهای مختلف، به ویژه پادشاهی خواهان، فراهم می‌آورد تا به جای تمرکز بر اختلافات جزئی، بر نقاط مشترک و مبارزه ای هماهنگ و سازماندهی شده برای هدف نهایی یعنی نجات ایران، گامهای اساسی و اصولی بردارند. حضور نمایندگان مختلف، از آن میان نماینده انجمن پادشاهی‌خواهان پیشرو، نشانه‌ای از پتانسیل همگرایی برای ایجاد سازمان واحد مبارزه است. در شرایطی که جمهوری اسلامی با تمام قوا برای تفرقه افکنی تلاش می‌کند، اتحاد و همدلی مبارزاتی نیروهای اپوزیسیون می‌تواند مهم ترین ضربه را بر پیکر این رژیم فرتوت وارد سازد.

ادامه در برگ ۲

بازسازی ایران:
از مبارزه امروز تا فردای روشن

گذار دموکراتیک به مثابه:
استراتژی اصلی سرنگونی رژیم

همکاری ملی و
خویشکاریهای ملی گرایان

همایش همکاری ملی شاهزاده رضا پهلوی، در طرح جامع خود برای آینده ایران، بر "بازسازی کشور" به عنوان آخرین گام پس از "همکاری ملی" و "گذار دموکراتیک" از جمهوری چپالوگر اسلامی متمرکز است. این رویکرد به روشنی نشان‌دهنده اهمیت بنیادین بازسازی در چشم‌انداز ایران فردا است. بسیاری از نیروهای ملی‌گرا و پادشاهی‌خواه دهه‌هاست که با دغدغه و دانش عمیق به این موضوع پرداخته‌اند و طرحهای گوناگونی برای نوسازی زیرساخت‌ها، احیای اقتصاد و ترمیم جامعه ارائه داده‌اند. ضمن ارجحنداری از اقدامات صورت گرفته و شور و اشتیاق این دوستان میهن پرست برای فردای روشن ایران، نباید از این واقعیت غافل شد که فردای روشن ایران در گرو مبارزات امروز برای رهایی میهن از دست چپالوگران حاکم است. شوربختانه برخی از دوستان و کنشگران، آنچنان در آینده فرو رفته‌اند که از مسئولیت‌های خطیر کنونی باز مانده‌اند. مسئولیت بزرگ امروز، در گام نخست، همانا سرنگونی جمهوری اشغالگر اسلامی است؛ ...

ادامه در برگ ۳

شه‌ریار میهن؛ شاهزاده رضا پهلوی در طرح همایش ملی، به درستی سه محور کلیدی همکاری ملی، گذار دموکراتیک، و بازسازی کشور را برای پیشبرد مبارزه علیه رژیم حاکم بر ایران برجسته ساخته‌اند. در این میان، مفهوم گذار دموکراتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ هرگونه برداشت سطحی یا نادرست از آن می‌تواند جنبش مبارزاتی را از درون تهی ساخته و به بیراهه بکشاند. این مقاله بر آن است تا با عمیق‌تر شدن در این مقوله، ضرورت یک درک استراتژیک و عملیاتی از گذار دموکراتیک را تبیین کند. گذار دموکراتیک تنها یک هدف نهایی نیست، بلکه یک روند مبارزاتی پیوسته است که از همان آغاز تا لحظه سرنگونی رژیم، باید بر یک استراتژی مشخص و کارآمد استوار باشد. از دیدگاه ما، این استراتژی توانایی جذب حداکثری آحاد جامعه را دارد و قادر است تا اقشار مختلف اجتماعی را به میدان مبارزه بکشاند. برای جذب حداکثری، نه تنها باید چشم‌اندازی روشن و جذاب از آینده‌ای آزاد و دموکراتیک ارائه شود، بلکه لازم است ...

ادامه در برگ ۳

در بستر تحولات تاریخی و اجتماعی ایران، مفهوم "همکاری ملی" بارها به عنوان کلید واژه‌ای برای عبور از بحرانها و دستیابی به آرمانهای بزرگ مطرح شده است. اما "همکاری ملی" چیست، چه اهدافی را دنبال می‌کند، ضرورت آن از کجا ناشی می‌شود، و چگونه می‌تواند به مثابه ستون فقرات انقلاب ملی ایرانیان عمل کند؟ همکاری ملی به معنای گردهم آمدن و هم افزایی نیروهای مختلف اجتماعی، سیاسی، فکری و مدنی با هدف مشترک دستیابی به یک آرمان ملی و گذار از وضع موجود به یک آینده مطلوب است. این همکاری فراتر از انتلافهای کوتاه مدت سیاسی است و بر مبنای یک درک عمیق از منافع ملی و همبستگی بنیادین استوار است. این همکاری نه صرفاً یک شعار، بلکه یک استراتژی جامع و پویاست و همانگونه که پیشتر گفته شد؛ فراتر از گردهمایی‌های سطحی، بر هم‌افزایی عمیق و هدفمند نیروهای گوناگون جامعه برای دستیابی به یک آرمان ملی مشترک تأکید دارد. به باور ما؛ این طرح ...

ادامه در برگ ۲

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!

شعارهای مبارزاتی شبانه و
بسیج مردم

شعارهای مبارزاتی، به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان نارضایتی و سازماندهی مردم، می‌توانند نقشی ارزشمند در جنبشهای اجتماعی ایفا کنند. شعاری که بتواند ضمن بازتاب مشکلات، مردم را نیز گرد خود جمع کند و به بسیج عمومی منجر شود، بی تردید شعاری مؤثر است. شعارهای شبانه، با توجه به ماهیت و بستر خاص خود، می‌توانند کارکردها و چالش‌های منحصر به فردی داشته باشند که در ادامه با در نظر گرفتن دستگاه سرکوب حاکم در ایران به بررسی آنها می‌پردازیم. یکی از مهمترین ویژگیهای شعارهای شبانه، کاهش نسبی خطر برای مشارکت‌کنندگان است. در تاریکی شب، شناسایی افراد دشوارتر می‌شود و این امر می‌تواند انگیزه‌ای برای مشارکت افرادی باشد که در طول روز و در مواجهه با دستگاه سرکوب، از حضور در تجمعات واهمه دارند. این کاهش بیم (خطر)، به ویژه برای اقشار وسیع تری از مردم که آمادگی رویارویی مستقیم با نیروهای امنیتی را ندارند، اهمیت زیادی دارد. شنیدن صدای همسایگان از پشت بامها یا پنجره‌ها، حس همبستگی و "با هم بودن" را تقویت می‌کند. این اقدام ساده، می‌تواند به مردم این پیام را بدهد که تنها نیستند و افراد دیگری نیز از وضعیت موجود ناراضینند. این حس جمعی، روحیه مبارزه را تقویت کرده و می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس برای اقدامات آتی منجر شود.

ادامه در برگ ۴

هر آنچه که در این ویژه نامه چاپ می‌شود، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شه‌ریار میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانهای سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!

به مناسبت همایش همکاری ملی ... ادامه از برگ ۱

بحث در مورد "گذار دموکراتیک" و "بازسازی کشور" بسیار حیاتی است. این همایش می‌تواند بستری برای تبادل نظر و تدوین نقشه راه برای دوران پس از جمهوری اسلامی باشد. تعیین چارچوب‌های گذار، شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها، و ارائه راهکارهای عملی برای بازسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به مردم ایران امید و اطمینان می‌دهد که آینده‌ای روشن در انتظارشان است. این شفافیت و برنامه ریزی قبلی، از وقوع هرج و مرج احتمالی در دوران گذار جلوگیری کرده و می‌تواند زمینه را برای یک انتقال آرام و مسالمت‌آمیز قدرت فراهم آورد.

برگزاری چنین همایشی در یک کشور اروپایی و با حضور چهره‌های شناخته شده، می‌تواند توجه جامعه جهانی را به وضعیت ایران جلب کند. این رویداد فرصتی برای نمایش توانمندی و انسجام اپوزیسیون ملی گرا به دنیا است و می‌تواند به افزایش حمایت‌های بین‌المللی از جنبشهای آزادیخواهانه در ایران منجر شود. هر چه اپوزیسیون ملی گرا منسجم تر و دارای حمایت‌های مردمی و برنامه سیاسی، اقتصادی و مبارزاتی مشخص تر باشد، کشور برای دموکراتیک جهان تمایل بیشتری برای همکاری و حمایت از آن نشان خواهند داد.

با در نظر گرفتن این راستی‌نگاری که پادشاهی خواهی در ایران ریشه‌های عمیقی در هویت ملی و تاریخ سرزمین ما دارد؛ این همایش فرصتی است تا پادشاهی خواهان و دیگر ملی گرایان با برجسته کردن این هویت مشترک و ارزشهای میهن پرستانه، از آن میان یکپارچگی سرزمینی (تمامیت ارضی)، پرچم شیر و خورشید، احترام به تاریخ و فرهنگ ایران، برقراری رفاه و عدالت اجتماعی برای همه شهروندان و ... نقطه پیوندی برای همه ایرانیان باشند. تاکید بر این اصول بنیادین می‌تواند فراتر از اختلافات سیاسی، به همگرایی ملی کمک‌های شایان توجهی کند.

پادشاهی خواهان باید نشان دهند که جنبش آنها محدود به یک گروه یا ایده خاص نیست، بلکه یک جنبش ملی و فراگیر برای تمام ایرانیان با هر گرایش فکری است که به سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومتی مردمی و مستقل باور دارند. دعوت از نمایندگان گروه‌های مختلف، حتی آنهایی که لزوماً پادشاهی خواه نیستند اما به هدف مشترک آزادی ایران باورمندند، می‌تواند به این فراگیری کمک کند.

هدف این همایش تنها به یک گردهمایی یک روزه محدود نمی‌شود. پادشاهی خواهان باید از این فرصت برای ایجاد کانالهای ارتباطی پایدار و ساختارهایی برای همکاری مشترک استفاده کنند. تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای پیگیری مباحث مطرح شده در همایش، تبادل اطلاعات و تجربیات، و هماهنگی فعالیت‌ها در درون و بیرون از کشور، می‌تواند به انسجام بیشتر جنبش منجر شود. در نهایت، همایش همکاری ملی در مونیخ بیش از یک گردهمایی ساده است؛ این رویداد نمادی از اراده و عزم ملی برای سرنگونی جمهوری ننگین اسلامی و ساختن آینده‌ای روشن و نیکو برای همه ایرانیان است. پادشاهی خواهان با بهره‌گیری هوشمندانه از این فرصت می‌توانند گام‌های بزرگی در جهت وحدت، انسجام و قدرت بخشیدن به جنبش مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی بردارند و راه را برای یک گذار دموکراتیک و بازسازی ایران هموار سازند. این همایش می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم ایران برای رسیدن به آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی باشد.

همکاری ملی و خویشکامیهای ملی گرایان

ادامه از برگ ۱

به باور ما این طرح می‌تواند در خدمت ایجاد یک نیروی مستحکم و واحد از تمامی آحاد و جریانهایی که دغدغه آزادی، استقلال، دموکراسی و سربلندی ایران را در سر می‌پرورانند، قرار گیرد. این انسجام در روند رشد خود می‌تواند از فعالیتهای پراکنده پیشگیری و اثرگذاری جنبش را به حداکثر برساند.

ضرورت طرح چنین بحثی در شرایط کنونی ایران از بطن بحرانهایی چند سویه و ریشه دار کنونی کشور سرچشمه می‌گیرد. بحرانهایی

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی زیست محیطی امروز ایران به حدی در هم تنیده‌اند که مقابله با آنها تنها از طریق یک عزم ملی و مشارکت فراگیر امکانپذیر است. شوربختانه، تفرقه و پراکندگی نیروهای مخالف رژیم، همواره پاشنه آشیل جنبشهای آزادیخواه بوده و به نیروهای واپسگرا فرصت سوءاستفاده و تحکیم پایه‌های قدرتش را داده است. از این رو، "همکاری ملی" پاسخی قاطع به این چالش دیرینه است و با ایجاد یک اجماع ملی گسترده بر سر اصول و مبانی آینده ایران، بستری برای یک گذار موفقیت‌آمیز فراهم می‌آورد. این مفهوم، به عنوان یک سد نیرومند در برابر نیروهای واپسگرای جامعه و دشمنان انقلاب ملی ایرانیان عمل می‌کند؛ زیرا با کاهش آسیب پذیری ناشی از تفرقه، افزایش قدرت چانه زنی در عرصه بین‌الملل، خلق ابتکار عمل در برابر انفعال واپسگرایان و خنثی‌سازی تلاشهای نفوذیها، می‌تواند توان جامعه را برای تحقق آرمانهای چندین برابر کند.

در این راستا شاید بی‌مناسبت نباشد اشاره ایی به این نکته داشته باشیم که میان "همکاری ملی" و انقلاب ملی ایرانیان، رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستنی وجود دارد؛ این رابطه نه تنها مستقیم، بلکه بنیادین است. انقلاب ملی ایرانیان به معنای دگرگونی عمیق در ساختار سیاسی، اجتماعی، قضایی و فرهنگی کشور با هدف استقرار یک نظام مردمی، دموکراتیک، سکولار و مستقل است که بر اراده آزاد ملت بنا شده و حقوق تمامی شهروندان را بدون تبعیض تضمین و رعایت می‌کند. در این بستر، همکاری ملی به مثابه بستر سازنده و نیروی پیش‌برنده این انقلاب عمل می‌کند. بدون یکپارچگی و هم صدایی میان تمامی طیفها و اقشار هازمان (جامعه)، یک انقلاب نمی‌تواند به عمق و گستردگی لازم برای موفقیت دست یابد. همکاری ملی به این معناست که تمامی نیروها بر سر هدف "انقلاب ملی" یعنی رهایی از استبداد و برقراری آزادی به توافق می‌رسند و با شناسایی هدف مشترک، تخصیص نقشها، ایجاد اعتماد متقابل و خنثی‌سازی توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان، مسیر تحقق آرمانها و آماژهای انقلاب ملی را هموار می‌سازند.

به نگر ما؛ نیروهایی که زیر چتر این طرح گرد هم می‌آیند و خود را دوست در راه انقلاب ملی ایرانیان می‌دانند، وظایف عملی و مسئولیتهای سنگینی را در پیش روی خود می‌بینند:

نخستین و حیاتی ترین وظیفه، تدوین یک منشور ملی یا اصول مشترک است که در آن، خطوط قرمز انقلاب (مانند تمامیت ارضی، سکولاریسم، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی، و رهبری دوران گذار) و اهداف کلی دوران گذار به روشنی مشخص شده باشد. به نگر ما گردهمایی برخی از نیروهای ملی در نشست مونیخ به تاریخ ۱۸ فوریه امسال توانست در تدوین این منشور گامهای اساسی و مثبتی بردارد. در گام پسین (بعدی)، ایجاد سازوکارهای هماهنگی مانند شوراهای هماهنگی، کمیته‌های تخصصی (سیاسی، حقوقی، اقتصادی، رسانه‌ای) و بسترهای ارتباطی مؤثر، برای تبادل نظر، تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های مشترک ضروری است.

همزمان، فعالیتهای روشنگرانه و آگاهی رسانی به عنوان یک وظیفه محوری مطرح می‌شود. این شامل افشای ماهیت واپسگرایانه و ناکارآمدی رژیم حاکم، تبیین اهداف روشن و آینده نگر انقلاب برای مردم و مقابله فعال با پروپاگاندا، شایعات و تلاشهای تفرقه افکنانه دشمنان و نیروهای نفوذی است. حمایت از مطالبات مردمی و جنبشهای اجتماعی نیز از دیگر وظایف مهم به شمار می‌رود. این حمایت ضمن کمکهای همه جانبه به مبارزین درون مرز، باید شامل همراهی با اعتراضات مدنی، اعتصابات و تظاهرات، و تلاش برای سازماندهی و هدایت آنها به سوی اهداف ملی، و همچنین پشتیبانی از اقشار آسیب پذیر و دفاع از حقوق زنان، اقلیتها و سایر گروه‌ها باشد.

در عرصه بین‌الملل، دیپلماسی عمومی و بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است. نیروهای همکاری ملی باید اهداف انقلاب را به دولتها، سازمانهای بین‌المللی و افکار عمومی جهان معرفی کرده و برای جلب حمایت بین‌المللی تلاش کنند. همزمان، مستندسازی و افشای موارد نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم نیز بخش مهمی از این وظیفه است. در نهایت، بسترسازی برای گذار مسالمت‌آمیز (در صورت امکان) از طریق طراحی سناریوهای مختلف برای دوران پس از انقلاب، از جمله چگونگی تشکیل دولت موقت، برگزاری انتخابات آزاد و تدوین قانون اساسی جدید، از وظایف بلند مدت و کلیدی است. این اقدامات، در کنار توانمندسازی جامعه مدنی و حفظ روحیه ملی و امید در میان مردم، به عنوان وظایف مستمر، راه را برای پیروزی انقلاب ملی و دستیابی به ایرانی آزاد و سربلند هموار خواهد ساخت. به نگر ما طرح "همکاری ملی"، به شرط چیره شدن بر وظایف پیش روی در تمامی ابعاد،

ادامه در برگ ۳

پیروزی باد انقلاب ملی-دمکراتیک ملت ایران به رهبری شاهزاده رضا پهلوی!

انقلاب ملی و دستیابی به ایرانی آزاد و آباد، هر دو جنبه "همکاری ملی" از اهمیت حیاتی برخوردارند.

گذار دموکراتیک به مثابه: استراتژی اصلی ...

ادامه از برگ ۱

بلکه لازم است راهکارهای عملی و قابل دسترسی برای مشارکت مردم عادی، با حداقل ریسک، فراهم آید. این رویکرد به معنای آن است که روشهای مبارزاتی انتخاب شده باید فراگیر، قابل فهم، و انگیزاننده باشند تا طیف وسیعی از مردم، از اصناف گوناگون گرفته تا گروههای اجتماعی مختلف، بتوانند فعالانه و با اطمینان خاطر در آن مشارکت کنند.

با چنین دیدی به گذار دموکراتیک، نیروهای جنبش مبارزاتی وظیفه دارند که به ایجاد و سازماندهی شبکه‌ها و سلول‌های مبارزاتی بپردازند. این سازماندهی باید از طریق **کنال‌های مخفی اما فعال و پویا** صورت گیرد. این شبکه‌ها باید بتوانند با آگاهترین گروههای اجتماعی در هر صنف و قشری ارتباط برقرار کرده و ضمن شرکت در مبارزات جاری و روزانه آنها (مانند اعتراضات صنفی، کارگری، دانشجویی و مردمی)، این گروه‌ها را برای نبرد قطعی و سرنوشت ساز آماده و سازماندهی کنند. "نبرد قطعی و سرنوشت‌ساز" به معنای یک قیام عمومی هماهنگ و گسترده است که نقاط حساس و مراکز قدرت رژیم را هدف قرار داده و با همه‌گیر شدن، راه را برای سقوط نهایی آن هموار می‌سازد. هدف نهایی، ساختاردهی یک نیروی عظیم مردمی است که بتواند در لحظه مناسب، با قدرت و هماهنگی عمل کند.

برای هر مبارزه مؤثری، شناخت دقیق از توان و تاکتیک‌های دشمن امری ضروری است. جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مستبد و سرکوبگر، از تمام امکانات خود برای بقای انگل‌گونه‌اش بهره می‌برد. این رژیم نه تنها به سرکوب و حبس و لگام گسیخته متوسل می‌شود، بلکه با فریبکاری، ایجاد پراکندگی، و دامن زدن به تفرقه در میان نیروهای اپوزیسیون، می‌کوشد تا عمر خود را طولانی‌تر کند. درک این نکته حیاتی است که رژیم هرگز گوش شنوایی برای خواسته‌های به حق مردم نخواهد داشت و در برابر حضور میلیونی مردم در خیابان‌ها نیز، حاضر به تغییر در رفتار مستبدانه خود نخواهد بود. همین جا ذکر این نکته ضروریست؛ تجربه نشان داده است که حتی بزرگترین اعتراضات نیز، اگر بدون سازماندهی و استراتژی مشخص باشند، نهایتاً سرکوب و به پراکندگی منجر می‌شوند.

با این اوصاف، آوردن حداکثری مردم به میدان مبارزه، به معنای وادار کردن رژیم به عقب‌نشینی است. این عقب‌نشینی باید تا جایی پیش برود که ریزش نیروی لازم در پیکره رژیم اتفاق بیفتد و در نهایت، با به تسخیر درآمدن سنگرهای سرکوب توسط مردم، رژیم سرنگون گردد. منظور از "ریزش نیروی لازم"، نه تنها کاهش قدرت و مشروعیت رژیم در میان توده‌های مردم، بلکه فروپاشی تدریجی یا ناگهانی درونی سیستم سرکوبگر (از جمله نیروهای نظامی، امنیتی و بدنه اداری آن) و از دست دادن توانایی رژیم برای حفظ کنترل است. این فرایند مستلزم یک جنبش هماهنگ، سازمان یافته، و مصمم است که از طریق شبکه‌های مخفی اما فعال، بتواند مردم را برای لحظه موعود آماده و بسیج کند. با چنین دیدگاه استراتژیکی به جستار گذار دموکراتیک،

نیروهای پادشاهی خواه و ملی گرا باید شکل سازمان مبارزه را تعیین و به آن میادرت ورزند. یعنی ابتدا باید استراتژی کلی گذار دموکراتیک – از جذب حداکثری تا سازماندهی مخفی و نبرد سرنوشت‌ساز – تعریف شود، و سپس سازمان و ساختار لازم برای پیاده سازی این استراتژی ایجاد گردد. هرگونه تلاش برای سازماندهی بدون درک عمیق از یک استراتژی مشخص، محکوم به شکست است و می‌تواند به تکرار تجربیات ناکام گذشته منجر شود.

این رویکرد عملیاتی در گذار دموکراتیک با بکارگیری تاکتیکهای متنوع که در خدمت به استراتژی محوری مبارزه است، خود زمینه ساز همکاری ملی گسترده تر خواهد بود. زیرا با داشتن یک استراتژی روشن و سازماندهی مؤثر، **اعتماد عمومی** جلب شده و اقشار بیشتری از مردم و نیروهای اپوزیسیون به این حرکت می‌پیوندند. این اتحاد و انسجام، نه تنها سرعت و قدرت گذار را افزایش می‌دهد، بلکه بنیادهای محکمی را برای مرحله پس از سرنگونی یعنی بازسازی کشور بنا می‌نهد. یک گذار دموکراتیک موفق، نه تنها به سرنگونی رژیم منجر می‌شود، بلکه مسیر را برای ساختن ایرانی آزاد، دموکراتیک و پیشرفته هموار می‌سازد.

بازسازی ایران: از مبارزه امروز تا فردای روشن

ادامه از برگ ۱

رژیمی که نه تنها انگل صفتانه بر جان و مال ملت ایران چنگ انداخته، بلکه به بزرگترین سد ارتجاعی در برابر هرگونه تغییر مثبت و هر گام رو به جلو در جهت منافع مردم، بدل شده است. امروز؛ زمانی که از بازسازی کشور سخن می‌گوییم،

ادامه در برگ ۴

توان گذر از تاریکی و رسیدن به سپیده آزادی را داراست.

حمایت از مبارزان داخلی و سازماندهی مخفی: ستون فقرات همکاری ملی

یکی از اساسی ترین و حیاتی‌ترین وظایف "همکاری ملی" در مسیر انقلاب ملی ایرانیان، حمایت همه جانبه و بی دریغ از مطالبات مردمی و جنبشهای اجتماعی درون کشور است. این حمایت نه تنها شامل همراهی آشکار با اعتراضات مدنی، اعتصابات و تظاهرات می‌شود، بلکه به مراتب فراتر از آن، لزوم پشتیبانی کامل از مبارزان درون کشور و سازماندهی آنان در تشکلهای مخفی را نیز در بر می‌گیرد. این رویکرد، به ویژه در شرایط سرکوب شدید و فضای امنیتی حاکم، برای پیشبرد اهداف انقلاب ملی بسیار بایسته و ضروری است.

مبارزات مردمی در داخل کشور، از قلب جامعه می‌جوشند و نمودار نارضایتیهای عمیق و خواسته های بنیادین شهروندان هستند. همکاری ملی باید این صداها را تقویت کرده و به آنها جهت دهد. این حمایت ابعاد مختلفی دارد: از همراهی با اعتراضات مدنی همچون تجمعات، اعتصابات کارگری، دانشجویی و صنفی که علیه استبداد و برای احقاق حقوق شکل می‌گیرند، تا تلاش برای سازماندهی و هدایت آنها به سمت اهداف انقلاب ملی. این هدایت می‌تواند از طریق تبیین اهداف بلند مدت، ارائه شعارهای متحد کننده و ایجاد هماهنگی میان گروههای مختلف معترض صورت گیرد. همچنین، پشتیبانی از اقشار آسیب پذیر و دفاع از حقوق زنان، اقلیتهای قومی و مذهبی، کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر گروههایی که بیشترین فشار را از نظام استبدادی حاکم تحمل می‌کنند، نه تنها یک وظیفه اخلاقی است، بلکه به گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب و جذب نیروهای جدید کمک شایانی می‌کند. تمرکز بر مطالبات مشخص این گروهها می‌تواند به ایجاد شکاف در بدنه حاکمیت و افزایش فشار بر آن منجر شود.

در روند حرکت یک انقلاب، نیروهای داخل کشور که مستقیماً با سرکوب و تهدید روبرو هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. حمایت کامل و سازماندهی این مبارزان، ستون فقرات هر جنبش انقلابی است. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که اصالت هر انقلاب، در مبارزات درون سرزمینی آن نهفته است؛ نیروهای داخل کشور، نبض جامعه را در دست دارند، با واقعیتها آشنا هستند و توانایی ایجاد تغییرات میدانی را دارند. همکاری ملی باید منابع و توان خود را در درجه اول به این نیروها اختصاص دهد. در یک فضای امنیتی شدید، فعالیتهای آشکار به سرعت سرکوب می‌شوند، از این رو، ایجاد و پشتیبانی از تشکلهای مخفی برای مبارزان درون کشور حیاتی است. این تشکلهای می‌توانند زیرساختهای ارتباطی امن را فراهم آورند، ظرفیتهای برنامه ریزی و تصمیم گیری مخفی را ایجاد کنند، شبکه‌های توزیع اطلاعات و منابع را تشکیل دهند و به حفاظت از جان و امنیت مبارزان کمک کنند.

همچنین، این تشکلهای می‌توانند بستری برای آموزش و توانمند سازی مبارزان در زمینه‌های مختلف از جمله مقاومت مدنی بدون خشونت، راههای دور زدن سانسور، امنیت دیجیتال و سازماندهی مردمی باشند که به افزایش کارآمدی و پایداری مبارزات کمک می‌کنند. سازماندهی مخفی به تسهیل فعالیتهای نافرمانی مدنی و مقاومت در مقیاس وسیع تر، مانند اعتصابات سراسری یا کارزارهای تحریم، کمک شایانی می‌کند و تأثیرگذاری اعتراضات را چند برابر می‌سازد. مهمتر آنکه، حتی در صورت سرکوب شدید یا دستگیری برخی افراد، وجود تشکلهای مخفی تضمین می‌کند که مبارزه متوقف نمی‌شود و رهبری فعالیتها و ادامه کاری به اشکال دیگر ادامه می‌یابند. در نهایت، دانستن اینکه پشت سر مبارزان درون کشور، یک شبکه حمایت ملی و بین‌المللی وجود دارد، می‌تواند به حفظ روحیه، تقویت اراده و مقابله با یأس و ناامیدی کمک فراوانی کند؛ این احساس تنها نبودن، موتور محرکه ادامه مبارزه است. موفقیت انقلاب ملی ایرانیان تا حد زیادی به توانایی "همکاری ملی" در شناسایی، حمایت، سازماندهی و تقویت نیروهای مقاومت داخلی وابسته است. این مبارزان، با پذیرش بالاترین خطر ها، خط مقدم مبارزه در این انقلاب هستند و سرمایه گذاری بر روی توانمند سازی و سازماندهی مخفی آنها، تضمینی برای تداوم و پیروزی نهایی خواهد بود.

همکاری ملی در بستر انقلاب ملی ایرانیان، دو روی یک سکه است: از یک سو، **اتحاد و همبستگی ملی** برای دستیابی به آزادی و از سوی دیگر، **شناخت و مرزبندی دقیق میان دوست و دشمن**. این دو جنبه مکمل یکدیگرند؛ زیرا بدون شناخت صحیح دوست و دشمن، اتحاد ممکن است به انحراف کشیده شود و بدون اتحاد، حتی با شناخت کامل، امکان پیروزی دشوار خواهد بود. بنابراین، برای پیشبرد موفقیت‌آمیز

سرنگون باد جمهوری ننگین اسلامی!

شعارهای مبارزاتی شبانه و بسیج مردم

ادامه از برگ ۱

از سوی دیگر؛ دستگاههای سرکوب همواره تلاش می‌کنند تا با ایجاد رعب و وحشت، فضای سکوت و انفعال را بر جامعه حاکم کنند. شعارهای شبانه، با ایجاد سروصدا در خاموشی شب، این فضای ترس را می‌شکنند و نشان می‌دهند که با وجود سرکوب، صدای اعتراض همچنان زنده است. این شکستن سکوت، به نوبه خود، می‌تواند به تشویق دیگران برای بیان ناراضیاتی‌هایشان کمک کند.

ماهیت پراکنده شعارهای شبانه (از محله‌های مختلف و از نقاط غیرقابل پیش‌بینی) کنترل و سرکوب آنها را برای دستگاه‌های امنیتی دشوارتر می‌کند. نیروهای امنیتی نمی‌توانند همزمان در تمامی نقاط حضور یابند و این پراکندگی، توان عملیاتی آنها را کاهش می‌دهد.

موفقیت شعارهای شبانه در ایران کنونی؛ در گرو تداوم و استمرار آنهاست. یک شب یا دو شب شعار دادن تأثیر چندانی نخواهد داشت. این کار باید به یک روال منظم تبدیل شود تا حس همبستگی را تقویت کرده و به یک فشار پایدار تبدیل گردد. هرچند شعارهای شبانه ماهیت خودجوش دارند، اما هماهنگی و زمانبندی می‌تواند اثربخشی آنها را به شدت افزایش دهد. تعیین یک ساعت مشخص یا شب‌های خاص برای شعار دادن می‌تواند به افزایش تعداد مشارکت‌کنندگان و ایجاد یک صدای جمعی قدرتمندتر منجر شود. این هماهنگی می‌تواند از طریق شبکه‌های اجتماعی یا ارتباطات غیررسمی صورت گیرد.

محتوای شعارها از اهمیت بالایی برخوردار است. **شعارها باید کوتاه، کوینده، قابل فهم برای عموم مردم و بازتاب دهنده اصلی ترین خواسته‌ها و ناراضیاتی‌ها باشند.** شعارهایی که به صورت مستقیم دستگاه سرکوب یا رهبران را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند سریع تر به واکنش شدید منجر شوند. از سوی دیگر، شعارهایی که بر مفاهیم عمومی تر مانند "آزادی"، "عدالت"، "نان، کار، آزادی" یا "مرگ بر گرانی" تأکید دارند، می‌توانند طیف وسیع تری از مردم را با خود همراه کنند و همزمان، کمتر بهانه‌ای برای سرکوب شدید فراهم آورند. در آغاز این حرکت؛ بانگ (شعار) "پاینده ایران" می‌تواند به هم صدایی و همدلی هرچه بیشتر میان گروه‌های گوناگون مردمی، در مبارزه اشان با رژیم دامن بزند. شعارهای شبانه به تنهایی شاید نتوانند به تغییرات بنیادین منجر شوند، اما می‌توانند بستری برای ترکیب با اشکال دیگر مبارزه باشند. این شعارها می‌توانند پیش‌زمینه‌ای برای تجمعات کوچک تر، پخش بانگنامه‌ها (اعلامیه)، یا سایر اشکال نافرمانی مدنی در طول روز باشند و روحیه لازم برای این اقدامات را فراهم آورند.

در نهایت، شعارهای مبارزاتی شبانه می‌توانند به عنوان یک ابزار کم خطرتر و همزمان مؤثر، در کنار سایر اشکال مبارزه، به تقویت روحیه همبستگی و شکستن فضای ترس در جامعه ایران کمک کنند. **موفقیت این شیوه، نه تنها به تداوم و هماهنگی در اجرای آن بستگی دارد، بلکه به توانایی آن در ایجاد یک موج گسترده از ناراضیاتی عمومی که دستگاه سرکوب از مقابله با آن ناتوان باشد، نیز مرتبط است.** این شیوه، اگرچه به تنهایی شاید نتواند به تغییرات بزرگ منجر شود، اما می‌تواند زمینه ساز جنبشهای گسترده تر و جدی تر در آینده باشد.

هم میهنان مبارز و آگاه؛ خواهشمندیم با فرستادن رهنمود و انتقادهای سازنده به ما یاری رسانید! نشانی تماس:

padeshahi1339@hotmail.com

نشانی پستی:

A.O.P.R. For Iran

Postfach 740163

60570 Frankfurt, Germany

اینستاگرام:

@padeshahikhahanpishro

ایکس:

https://x.com/

منظور تنها برنامه ریزی‌های طولانی مدت برای تشکیل مجلس موسسان یا پروژه‌های عظیم عمرانی نیست. اینها بی شک در جای خود ضروری و حیاتی‌اند، اما طرح آنها تحت حاکمیت این رژیم سرکوبگر، بدون همکاری ملی برای سرنگونی آن، تنها به طرح موضوعات انتزاعی می‌ماند. واقعیت این است که این رژیم، خود بزرگترین مانع برای هر نوع "بازسازی" است و نه تنها با سیاست‌های مخرب خود، کشور را به ویرانی کشانده، بلکه با سرکوب هرگونه صدای مخالف و نفی هر نوع اصلاح، راه را بر هرگونه ابتکار و سازندگی بسته است.

انجمن ما بر این باور است که **کلید بازسازی کشور روندی پیوسته که از امروز و با مشارکت فعال نیروهای پادشاهی خواه و ملی گرا در مبارزات جاری مردم آغاز می‌شود.** این مشارکت نه تنها یک همبستگی مبارزاتی، بلکه یک استراتژی عملی و ضروری است. با حضور در کنار توده‌های مردم در کف خیابان‌ها و در صحنه‌های مختلف مبارزه، ما نه تنها نشان می‌دهیم که با مشکلات و ریشه‌های عمیق دردها و معضلات ملت ایران آشنا هستیم، بلکه به مردم اطمینان می‌دهیم که برای درمان این دردها، دارای پتانسیل و برنامه‌های لازم نیز هستیم. این ارتباط مستقیم و عمل‌گرایانه، حلقه مفقوده میان تئوریهای بازسازی و تحقق عملی آنها در فرای ایران است.

حضور پادشاهی خواهان در صحنه مبارزه و کسب اعتماد معنوی مردم: در این میان، نقش نیروهای پادشاهی خواه در مبارزات جاری ملت حیاتی و بی بدیل است. حضور فیزیکی و معنا دار در میان مردم، همگام با آنان در اعتراضات، اعتصابات و هرگونه کنش مدنی، فراتر از یک همیاری صرف است. این حضور، فرصتی برای کسب اعتماد معنوی مردم است؛ اعتمادی که نه با شعار، بلکه با عمل و ایثار به دست می‌آید. وقتی پادشاهی خواهان دوشادوش مردم ستم‌دیده، خطر می‌کنند، هزینه می‌دهند و رنج می‌برند، این پیام به وضوح منتقل می‌شود که آنان نه تنها به دنبال احیای یک نظام سیاسی، بلکه در پی احقاق حقوق پایمال شده ملت و تضمین آینده‌ای روشن برای یکایک ایرانیان هستند. این پیوستگی، تصور دیرینه "نیروهای در تبعید" یا "جریانی الیت‌گرا" را در هم می‌شکند و آنها را هرچه بیشتر و ژرفتر به بخشی جدایی ناپذیر از جنبش ملی بدل می‌سازد.

یکی از چالش‌های مهم پیش روی هر جنبشی برای گذار، باوراندن مردم به ریشه‌های واقعی دردهای اقتصادی-اجتماعی است. سال‌هاست که رژیم حاکم، مشکلات معیشتی، فساد گسترده، و فروپاشی زیرساخت‌ها را به عوامل خارجی، تحریم‌ها یا حتی "توطئه‌های دشمنان" نسبت می‌دهد. در این بستر، وظیفه نیروهای آگاه، از جمله پادشاهی خواهان، این است که با تحلیل‌های روشن، دقیق و قابل درک برای عموم مردم، نشان دهند که این ریشه‌ها عمدتاً داخلی هستند و محصول مستقیم سیاست‌های ناکارآمد، فساد سیستماتیک و مدیریت فاجعه بار جمهوری اسلامی است. با تبیین این واقعیت که ساختار سیاسی و ایدئولوژی این رژیم، عامل اصلی رکود اقتصادی، گسترش فقر، نابرابری و نابودی سرمایه‌های ملی است، می‌توان امید به تغییر را در دلها زنده کرد و مردم را به سمت راه چاره واقعی، یعنی سرنگونی این رژیم، سوق داد. در نهایت، مشارکت در مبارزات جاری و آگاه سازی مردم از ریشه‌های مشکلات، باید با ارائه راهکارهای عملی و برنامه‌های قابل اجرا برای بازسازی کشور همراه باشد. این برنامه‌ها نباید تنها در قالب تئوریهای پیچیده دانشگاهی باقی بمانند؛ بلکه باید قابل لمس، واقع بینانه و متناسب با نیازهای فوری و آتی جامعه باشند. نشان دادن اینکه پادشاهی خواهان و دیگر نیروهای ملی‌گرا، نه تنها نقد کننده وضع موجود، بلکه دارای چشم‌انداز و طرحهای مشخص برای احیای اقتصاد، بهبود وضع زندگی آحاد گوناگون هازمان (جامعه)، تضمین آزادی‌های مدنی و بازگرداندن جایگاه ایران در منطقه و جهان هستند، بایسته و حیاتی است. این رویکرد، از یک سو به مردم اطمینان می‌دهد که فردایی روشن در انتظارشان است و از سوی دیگر، به مبارزه جاری، هدفمندی و جهت‌گیری روشنتری می‌دهد؛ زیرا **مردم باید باور کنند که سرنگونی این رژیم، نه پایان راه، بلکه آغاز مسیر پرشتاب بازسازی کشور و تحقق منافع اقشار گوناگون و ارمانهای تاریخی ملت ایران مبتنی بر گسترش آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، و کوشش برای ترفیع جایگاه ایران در هازمان جهانی خواهد بود.**

کمکهای مالی شما برای مبارزان درون مرز:

Pay Pal: tirdad33@yahoo.co.uk

با عزم و اراده ملی، خود، موتور محرک تغییر باشیم!